

نامه بوداچ^۱ به ناپلئون^۲

عرضه داشت بنده دولتخواه بموقف عرض مقربان دربار انجم احتشام والا میرساند که اگرچه الى حال این بنده عقیدت خصال در ظاهر نسبت بامنای آن دولت قاهره رابطه بندگی و دولتخواهی سبقت نیافته اما همیشه در باطن طالب اینمعنی می‌بوده که در حقیقت اخلاص و دولتخواهی خود را در پیشگاه ضمیر آفتاب مظاهر والا جلوه ظهرور دهد، نظر باینمعنی بر ذمه بندگی و دولتخواهی لازم است که کیفیت مجاری حالات و اخبارات ایران را به خدمت با رفعت عرض نماید لهذا پارسال یکنفر ایلچی پادشاه انگلیس آمده حال در تبریز است راه ورسم جنگ فرنگی را تعلیم سواران ایران میدهد و امسال هم یکنفر ایلچی دیگر همین از طرف پادشاه انگلیس رسیده حال در دارالسلطنه طهران اقامت کرده و چنین تعهد و قرارداد کرده که او بسر کرده- گری قشون ایران تعیین و تمایم مواجب قشون ایرانیان را از خزانه پادشاه انگلیس داده، خود متوجه دعوا و مدافعه قشون پادشاه روس بشود^۳ و درینوقت هم از طرف پادشاهان ایران و روس خواهشمند شده بود که باهم بنای مصالحه و سازش بگذارند از اینطرف عالیجاه مقرب الخاقان میرزا بزرگ

بحوالی الکای شیشه رفته از آنطرف هم ترمه ساو^۱ سر کرده روسیه تا آنجا
آمده باهم ملاقات حاصل کرده دیگر معلوم نشد که بنای مصالحه آنها صورت
سرانجام گرفته یا نه و نیز باید درین چند وقت رایات نصرت آیات شاهی از
دارالسلطنه طهران حرکت کرده در مملکت عراق در موضعی که هوسم بچمن
سلطانیه است نزول اجلال فرموده باشند، زیاد ازین خبری که قابل
عرض باشد صورت وقوع نیافته. بعدالیوم نیز هر خبری که صورت وقوع
باید بخدمت با رفت عرض خواهد نمود. چون این بنده دولتخواه را از
جمله اخلاقمندان آن دربار حساب نموده ذیلا استدعا آنکه ازلوحة ضمیر
نمیر محو نفرموده بارجاع خدمات بینالمثال سربلند فرمایند زیاده جرأت
تموده امره الاعلى.

(در پشت نامه محل مهر بوداًق های عنوان : عبدة بوداًق)